**نام مقاله: مروري بر متون سواد اطلاعاتي در ايران**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 53 \_ شماره اول، جلد 14**

**پديدآور: شيوا ياري**

**مترجم:**

**چكيده**

**همگام با گسترش فناوريهاي اطلاعات و ارتباطات و نفوذ آن در جنبه­هاي مختلف زندگي، تحصيل و حرفه، دستيابي به سواد اطلاعاتي، لازمه‌ و پيش‌نياز بقا در جامعة­ دانش­مدار امروز است. درباره اين نوع از سواد، منابع فراواني انتشار يافته كه هدف همة آنها، شناساندن مفهوم و محتواي مورد بحث در سواد اطلاعاتي و هموارسازي دستيابي به هدفهاي آن بوده است. هدف اين نوشتار، بررسي آثار فارسي موجود در اين حوزه از جمله كتاب، پايان­نامه، طرحهاي پژوهشي، همايشها و مقاله‌هايي است كه در حوزه سواد اطلاعاتي در ايران چاپ و منتشر شده و در پيشبرد اين حوزه مؤثر واقع شده‌اند. بررسي‌ها مبيّن آن است، با گذشت 15 سال از طرح بحث سواد اطلاعاتي در ايران، روندي رو به رشد در انتشار منابع به چشم مي‌خورد. آثار موجود در اين حوزه، اعم از كتاب و مقاله، بيشتر تأليفي هستند، اما آثار ترجمه‌اي نيز ارزشمندند. اين حوزه مورد توجه كتابداران، متخصصان تعليم و تربيت و تا حدودي رايانه قرار گرفته است، ليكن همانند ساير نقاط دنيا، كتابداران طلايه­داران اين حوزه هستند. در حيطة پژوهشهاي سواد اطلاعاتي، به طور عمده، بررسي وضعيت سواد اطلاعاتي افراد مورد توجه بوده است. نبود منابعي در حوزة سواد اطلاعاتي و كتابخانه‌هاي عمومي، كاملاً آشكار و عمده توجه آثار اين حوزه معطوف به كتابخانه‌هاي دانشگاهي است. رويكرد عملگرايي به سواد اطلاعاتي نسبت به مبناگرايي و جنبه‌هاي زيربنايي مانند تفكر انتقادي و تحليلي و اهميت وافر مهارتهاي فناوري اطلاعات، نكته‌اي است كه در اكثر منابع انتشار يافته در اين حوزه مشهود است. برداشت اشتباه از مفهوم سواد اطلاعاتي و تلقي سواد رايانه‌اي يا سواد كتابخانه‌اي و يا رفتار اطلاع⁬يابي به عنوان سواد اطلاعاتي، نكته قابل تأملي است كه هنوز با انتشار روزافزون منابع علمي در اين حوزه، به چشم مي‌خورد.**

**كليدواژه­ها: سواد اطلاعاتي، كتاب، پايان­نامه، طرحهاي پژوهشي، همايشها، مقاله‌ها.**

**مقدمه**

**در هزارة سوم، با پيشرفت سريع علوم و فنون، ميزان اطلاعاتي كه از طريق‌ محملهاي اطلاعاتي مختلف منتشر مي‌شود، با وجود افزايش روزافزون، انسان را با چالشهاي جدي در بهره‌مندي از اطلاعات روبه⁬رو ساخته است. اين حجم اطلاعات، جامعه امروز را در آستانه ورود به فرهنگ غير مادي قرار داده است؛ فرهنگي كه در آن اطلاعات و شناخت، محور اصلي سنجشها خواهد بود. در اين شرايط، تنها سواد خواندن، نوشتن و حساب كردن براي بهره⁬مندي از اطلاعات كفايت نمي⁫كند، بلكه به منظور استفاده مؤثر از اطلاعات، حضور بانشاط در جهان ارتباطات و تعامل پويا با رسانه‌هاي مبتني بر فناوري اطلاعات، نيازمند مجهز شدن به مهارتهاي نويني هستيم كه با عنوان «سواد اطلاعاتي» شناخته مي‌شوند.**

**«زوركوفسكي»[1] اين نوع از سواد را نخستين بار در سال 1974 ميلادي مطرح كرد. وي، عبارت «با سواد اطلاعاتي» را براي توصيف افراديابداع كرد كه «فنون و مهارتهاي لازم براي به‌كارگيري طيف گستردة ابزارهاي اطلاعاتي و نيز مآخذ رديف اول را به‌ منظور دستيابي به راه‌حلهاي اطلاعاتي براي مسائلخود، آموخته‌اند». وي دريافت كه افراد باسواد اطلاعاتي به مراتب توانايي بهتري در بهره‌مندي از اطلاعات دارند (نقل در نظري، 1384).**

**جنبش سواد اطلاعاتي از «آموزش كتابخانه­اي»، «آموزش كتابشناختي» و «آموزش كاربر/خواننده» آغاز شده است. تا مدتها تصور مي­شد سواد اطلاعاتي، همان مهارت استفاده از منابع كتابخانه­اي و بحثهاي مرتبط با آموزش كتابخانه­اي است؛ در صورتي ­كه سواد كتابخانه­اي به مفهوم مهارت استفاده از كتابخانه و توانايي بازيابي اطلاعات از ميان حجم عظيمي از اطلاعات موجود در كتابخانه­ها، به منظور انجام تحقيق و پژوهش نظام­مند است. سواد اطلاعاتي، شامل مهارتهايي است كه موجب استفاده­ مؤثر از اطلاعات مي­شود. سواد اطلاعاتي، توانايي بهره‌مندي از اطلاعات در همه­ اشكال است. اطلاعات، ممكن است از هر منبعي ـ اعم از رسانه⁬هاي چاپي و يا الكترونيكي ـ به دست آيد و يا حتي منبع كسب اطلاعات، مي⁬تواند يك فرد باشد.**

**نفوذ فناوريهاي نوين اطلاعات بويژه رايانه از دهه 1980 موجب شد از آن به عنوان ابزار مهم سواد اطلاعاتي ياد كنند. اين امر موجب مطرح شدن سواد رايانه⁬اي و در مواردي در نظر گرفتن مهارتهاي مرتبط با آن به عنوان سواد اطلاعاتي شد. در حالي⁬كه سواد رايانه­اي، سطحي از خبرگي و آشنايي با رايانه است كه بيشتر به توانايي استفاده از برنامه­ها و نرم⁬افزارهاي كاربردي براي انجام وظايف، اطلاق مي‌شود.**

**در مجموع، سواد اطلاعاتي به معناي توانايي تشخيص نياز اطلاعاتي، جايابي، ارزيابي و استفاده­ مؤثر و اخلاقي از اطلاعات است كه داشتن مهارتهاي تفكر انتقادي و تحليلي به عنوان زيربناي سواد اطلاعاتي، نقش اساسي در دستيابي به آن دارد. افراد باسواد اطلاعاتي كساني هستند كه آموخته­اند چگونه بياموزند.**

**در ايران از اواسط دهه 1370 ـ تقريباً 21 سال پس از طرح مبحث سواد اطلاعاتي در دنيا ـ شاهد طرح اين بحث و انتشار آثار گوناگوني در اين زمينه هستيم. گفتني است، انتشار آثاري در زمينة آموزش كتابخانه‌اي، به اوايل دهه 1360 برمي‌گردد؛ اما در اين نوشتار به دليل رعايت اختصار، از شرح منابعي كه به بحث از اين نوع آموزش و آموزش كتابشناختي پرداخته‌اند، خودداري شده است. در اين مقاله سعي بر آن است با رويكردي تحليلي، آثار فارسي موجود در اين حوزه، از جمله: كتاب، پايان­نامه، طرحهاي پژوهشي، همايشها و مقاله‌هايي كه از ابتداي طرح مبحث سواد اطلاعاتي در ايران چاپ و انتشار يافته و در پيشبرد اين حوزه مؤثر بوده‌اند، بررسي شود.**

**1. مقاله­ها**

**با توجه به اين‌كه نخستين آثار در حوزه سواد اطلاعاتي در ايران در قالب مقاله نگارش يافته است، ابتدا به بررسي و تحليل آثار در اين قالب مي‌پردازيم. قابل ذكر است، عمده مقاله‌هاي كاربردي اين حوزه كه برگرفته از پايان‌نامه­­ها و طرحهاي پژوهشي است، در بخش «پژوهشها» تحليل خواهند شد، لذا از ذكر آنها در اين قسمت خودداري مي‌شود. ساير مقاله‌ها، شامل مواردي است كه در مجله‌هاي معتبر چاپي و مجموعه مقاله‌هاي همايشهاي داخلي و خارجيِ ترجمه شده در ايران، به چاپ رسيده‌اند.**

**نخستين مقاله و منبع انتشار يافته در حوزه سواد اطلاعاتي، اثر «فورد»[2] ترجمه قزل­اياغ، (1374) مقاله‌اي ارزشمند مشتمل بر مباحثي در زمينة رابطه سواد اطلاعاتي با كتابداران، كتابخانه‌ها و فناوريهاي اطلاعات، آموزش سواد اطلاعاتي و اهميت آن، و فعاليتهاي جهاني در مورد سواد اطلاعاتي است كه به عنوان اولين منبع در حوزه سواد اطلاعاتي، سودمند و پربار بوده است، به شكلي كه مباحث مطرح شده در آن در سالهاي بعد، در منابع مختلف به طور كامل بسط يافت.**

**«خسروي» در سال 1375 نخستين منبع تأليفي در حوزة سواد اطلاعاتي را با عنوان «سو‌اد‌آموز‌ي‌ ‌اطلا‌عاتي‌ در مد‌ارس» منتشر كرد. در اين مقاله به جايگاه آموزشي سواد اطلاعاتي در مدارس و اهميت نقش كتابخانه‌هاي آموزشگاهي در پيدايش سواد اطلاعاتي اشاره شده است، ضمن اين‌كه عمده بحث در رابطه با مطالعه، به عنوان اولين گام در فراگيري سواد اطلاعاتي و وضعيت كتابخانه‌هاي آموزشگاهي در ايران است. نكته قابل تأمل در اين منبع، مترادف دانستن سواد اطلاعاتي با اطلاع‌يابي است، در حالي‌كه در ايران همانند ايالات متحده آمريكا و استراليا و بر خلاف انگلستان، واژه سواد اطلاعاتي بر مهارتهاي اطلاع‌يابي در توصيف آنچه هم اكنون به عنوان سواد اطلاعاتي مي‌شناسيم، ترجيح دارد و اين دو واژه مترادف نيستند.**

**ساير مقاله‌هاي اين دهه، آثاري از «سيتونن» (1376)، «تقوي» (1377)؛ «گالر[3] و ديگران» (1378)؛ و «واسولو»[4] (1378) است. در اين ميان، تنها مقاله تأليفي، اثر «تقوي» (1377) است كه به بحث سواد اطلاعاتي، سواد رايانه‌اي، عوامل مؤثر بر رشد سواد اطلاعاتي، و فعاليتهاي جهاني در خصوص گسترش سواد اطلاعاتي پرداخته است؛ مباحثي كه شاهد بسط آنها در آثار دهه 80 هستيم.**

**در مجموع، با وجود آن‌كه از نظر كمّي آثار اندكي در اين دهه منتشر شد، از نظر كيفي مقاله‌هاي ارزشمندي تأليف و ترجمه گرديد كه بر آثار انتشار يافته در دهة بعد تأثيرگذار بوده‌اند.**

**در دهة 80، شاهد انتشار بيشترين مقاله‌ها هستيم كه در چند دستة عمده جاي مي‌گيرند:**

**نخست، مقاله‌هايي كه با رويكرد كاربردي به مقولة سواد اطلاعاتي پرداخته‌اند. از جمله مقاله‌هاي كه در اين گروه جاي مي­گيرند، مي­توان به آثار «هپورث»[5] (1380)، «حافظي و بختياري» (1383) و «جوكار و اسماعيل‌پور» (1388) اشاره كرد كه در همه آنها بررسي سواد اطلاعاتي محور توجه بوده است.توصيف و يا بررسي برنامه‌هاي آموزش و توسعه سواد اطلاعاتي نيز، در آثاري مانند «ابرگ»[6] (1385) و «چان»[7] (1386) بحث شده است. البته، در اين آثار تكيه بر آموزش كتابخانه‌اي و يا مهارتهاي اطلاع‌يابي است، هر چند عنوان سواد اطلاعاتي در همة آنها وجود دارد.**

**ساير آثار كاربردي اين دوره، مقاله‌هايي از «هنري، هي، و ابرگ»[8] (1383) و «كلايد»[9] (1385) است. در اين ميان، اثر اخير كه به بررسي ميزان نياز به متخصصان كتابداري با دانش و مهارتهاي مرتبط با آموزش استفاده‌كنندگان و سواد اطلاعاتي با استفاده از روش تحليل محتواي آگهي‌هاي استخدامي مندرج در فهرست ‌سرو بين‌المللي پرداخته، اثر متفاوت و ارزشمندي است.**

**دسته‌اي از مقاله‌ها، گزارشي از اقدامها و برنامه‌هاي اجرا شده در رابطه با سواد اطلاعاتي در كشورهاي مختلف را بيان مي‌كنند. از آن جمله، مي­توان به آثار «ريدر»[10] (1383) و «نوروزي چاكلي» (1383) اشاره كرد. در اثر نخست، فعاليتها، برنامه‌ها و تحقيقات مرتبط با سواد اطلاعاتي در قاره‌هاي مختلف جهان كه ناشي از مشاهدات فردي و بررسي متون است، تشريح شده است. نوروزي چاكلي (1383) نيز، ضمن اشاره به برخي از نقشهاي سواد اطلاعاتي در افزايش دموكراسي و برقراري توسعه، برنامه‌هاي سواد اطلاعاتي در قاره‌هاي مختلف جهان را به تصوير مي‌كشد.**

**«مديريت دانش» از جمله مباحث ميان‌رشته‌اي است كه در سالهاي اخير به رشته كتابداري و اطلاع‌رساني راه يافته است. رابطه اين موضوع و سواد اطلاعاتي در آثار «حسن‌زاده» (1383) و «شقاقي» (1387) مورد بحث قرار گرفته است. «تابنده» (1383) نيز رابطة‌ سواد اطلاعاتي و مديريت كيفيت فراگير را بررسي كرده و عوامل مؤثر در بهبود كيفي سواد اطلاعاتي را برشمرده است.**

**بي‌شك، اهميت سواد اطلاعاتي براي آن دسته از افرادي كه زير پوشش آموزشهاي از راه دور قرار مي‌گيرند، از افرادي كه به شيوه‌هاي ديگر آموزش مي‌بينند، كمتر نيست. اين موضوع محور توجه آثار «ساكاناند»[11] (1383) و «شريف‌مقدم» (1383) قرار گرفته است. «سميعي» (1383) نيز با رويكردي ديگر، امكان‌سنجي آموزش مجازي سواد اطلاعاتي را در اينترنت تحليل كرده است. به اعتقاد وي، به‌ كارگيري مدل شش مهارت بزرگ كه مشهورترين و متداول‌ترين رويكرد در زمينة آموزش مهارتهاي اطلاعاتي در مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌هاي آموزش عالي آمريكاست، مي‌تواند در آموزش مجازي درس سواد اطلاعاتي در ايران نيز، مورد استفاده قرار گيرد. ارتباط ميان سواد اطلاعاتي و آموزش از راه دور و نقشي كه برنامه‌هاي آموزشي پيوسته مي‌توانند در ارتقاي سواد اطلاعاتي كاربران بازي كنند و مهم‌ترين عوامل و عناصر ممكن در سايت كتابخانه‌ها كه بالقوه مي‌توانند در اين زمينه مؤثر واقع شوند، در مقالة «منصوريان و نعيم‌آبادي» (1383) تشريح شده است.**

**مقاله‌هاي «قاسمي» (1383)، «پريرخ و عباسي» (1383)، «دياني» (1383)، «كوكبي» (1383)، «عيني» (1388) و «نادري و زاهدي» (1388)، آثار ارزشمندي هستند كه هر يك با رويكرد خاص خود آموزش سواد اطلاعاتي را مورد توجه قرار داده‌اند. «دياني» (1383) در مقالة خود نظرية كتابدار را به عنوان آموزش‌دهنده سواد اطلاعاتي و برقراركنندة ارتباط بين مراجعان و اطلاعات بررسي كرده است. وي اعتقاد دارد برقراري تعادل بين اين دو نظريه به منظور كمك به مراجعان و باقي ماندن حرفة كتابداري و اطلاع‌رساني به عنوان يك حرفه سودمند، چالشي است كه كتابداران اين دوران با آن مواجهند. «كوكبي» (1383) نيز با بررسي محتوا و سرفصلهاي درس «آشنايي با كتابخانه و اصول كتابداري» سرفصل جديدي به نام «آموزش كاربران كتابخانه» يا «سواد اطلاعاتي» را پيشنهاد مي‌كند. «قاسمي» (1383)، و «پريرخ و عباسي» (1383) آموزش سواد اطلاعاتي در سطح آموزش عالي و «عيني» (1388) و «نادري و زاهدي» (1388) اين موضوع را در سطح آموزش و پرورش، تحليل كرده⁬اند.**

**توجه خاص به عوامل بازدارنده بر كسب سواد اطلاعاتي، در اثر «كياني» (1383) بيان شده است. در اين مقاله، با ديدگاهي ويژه، اين موضوع در بين دانشگاهيان، متخصصان و محققان بررسي و علاوه بر عوامل فرهنگي، اجتماعي، اقتصادي، به موانع متأثر از كارآيي نظام آموزش⁬ و پرورش در كشور، موانع فني و تخصصي مرتبط با كتابخانه‌ها و نظام اطلاع‌رساني و موانع اداري و مديريتي نيز توجه شده است.**

**استاندارد، زبان و الگوي مشترك براي دريافت مفاهيم و روشهايي را به وجود مي­آورد كه توجه به آنها موجب تسهيل و افزايش كيفيت امور مي­شود. از سوي ديگر، استاندارد مي­تواند مبناي مقايسه يك يا چند فعاليت با معيارهاي مطلوب و آرماني باشد. در زمينة سواد اطلاعاتي و مهارتهاي مرتبط با آن، استانداردهايي براي موقعيتهاي گوناگون، از سوي سازمانهاي مختلف مطرح شده است كه مهم‌ترين و متداول­ترين آنها،‌ «استاندارد قابليتهاي سواد اطلاعاتي براي آموزش عالي» تدوين «انجمن كتابخانه­هاي دانشكده‌اي و پژوهشي آمريكا[12]» است. ترجمة اين استاندارد، محور توجه تعدادي از مقاله‌هاي حوزه سواد اطلاعاتي بوده است؛ از جمله «زماني» (1382)، «قاسمي» (1385) و «معرفت و عضدي» (1386). ليكن كامل‌ترين ترجمه، توسط «قاسمي» (1385) انجام گرفته است. اين ترجمه به تصويب هيئت مديره انجمن مذكور رسيده و عاري از اشكالهايي است كه در ساير ترجمه‌ها، وجود دارد. قاسمي كه از متخصصان برجسته و با تجربه حوزه سواد اطلاعاتي در ايران است، اقدام به ترجمه اين استاندارد در رشته‌هاي ادبيات انگليسي، مردم‌شناسي و جامعه‌شناسي هم نموده و آنها را به تصويب انجمن رسانده است. همچنين، بحث از استانداردهاي سواد اطلاعاتي و مدلهاي سواد اطلاعاتي در اثر «نظري» (1384) نيز مورد نظر بوده است.**

**برخي از مقاله‌ها هم كه در هيچ يك از دسته‌بنديهاي فوق نمي‌گنجند، آثار اين نويسندگان را شامل است: «فتاحي» (1383)، «بردستاني» (1383)، «سالاري و حسن‌آبادي» (1383)، «موسوي چلك» (1383)، «كمپبل»[13] (1385)، «دويل»[14] (1385)، و «حيدري همت‌آبادي، موسي‌پور و حري» (1386). اين مقاله‌ها در مجموع به بحثهاي نظري حوزة سواد اطلاعاتي پرداخته و هر يك در نوع خود اثر ارزشمندي هستند. در اين ميان، مقاله «حيدري همت‌آبادي، موسي‌پور و حري» (1386) از بهترين آثاري است كه به سواد اطلاعاتي در سطح آموزش و پرورش، مفهوم سواد متناسب با زندگي امروز بررسي شده و به برخي از وظايف آموزش و پرورش در جهت تطبيق با نيازهاي جهان امروز، از جمله سوادآموزي اطلاعاتي در حكم پايه يادگيري مادام‌العمر و الزام استفاده از روش يادگيري فعال براي دستيابي به هدفهاي جامعه اطلاعاتي، اشاره شده است. همچنين لزوم گنجاندن سواد اطلاعاتي در برنامه‌هاي درسي مورد بحث قرار گرفته است. البته، در مقاله «فتاحي» (1383) پيش از اين اثر، «دويل» (1385) نيز، به بعضي از مواردي كه در اين مقاله بيان شده، اشاره داشته است. تحليل تأثير عناصر و مؤلفه‌هاي مطرح در سواد اطلاعاتي در هر يك از مراحل فرايند تحقيق، به خوبي توصيف شده است. «سالاري و حسن‌آبادي» (1383) نيز با تحليل پيش‌نيازهاي سواد اطلاعاتي از جمله مهارت روش‌شناسي، تفكر تحليلي، انتقادي و خلّاق و تأثير آنها بر سواد اطلاعاتي، به نكاتي پرداخته‌اند كه تاكنون مورد توجه قرار گرفته است.**

**2. پژوهشها**

**پژوهشهاي انجام شده در حوزة سواد اطلاعاتي را مي­توان به دو دسته كلي تقسيم كرد: پايان⁬نامه⁬ها و طرحهاي پژوهشي. در ادامه، نخست پايان⁬نامه­ها و سپس طرحهاي پژوهشي بررسي مي‌شود.**

**2-1. پايان‌نامه‌ها**

**با توجه به اهميت پايان­نامه­ها و نتايج كاربردي آنها در بهبود وضعيت­ حوزة مورد بررسي، در اين زمينه نيز تقريباً هم­زمان با مطرح شدن بحث سواد اطلاعاتي در حوزه كتابداري و اطلاع­رساني، شاهد انتشار آثار متعددي هستيم. «طباطبايي»‌ (1378) نخستين پايان‌نامه را در اين زمينه نوشت. وي در اثر خود با استفاده از روش تحليل محتوا، در پي دستيابي به عناصر و مؤلفه‌هاي تشكيل‌دهندة مفهوم سواد اطلاعاتي در مقاله‌هاي انگليسي زبان نمايه شده در بانكهاي اطلاعاتي ليزا و ايزا بود. «نظري»‌ (2009) نيز در پايان‌نامه دكتراي خود در دانشگاه شفيلد انگلستان، مفهوم و ماهيت سواد اطلاعاتي در محيطهاي يادگيري الكترونيكي با بهره‌گيري از مدل آيزنهارت[15] با عنوان «فرايند ساخت نظريه با استفاده از پژوهش مطالعه موردي» را بررسي نمود كه در نوع خود اثر ارزشمند و بي‌نظيري است. وي در پژوهش خود نتيجه گرفت كه سواد اطلاعاتي، متأثر و برگرفته از بافتي است كه در آن تبيين و اجرا مي‌شود؛ بنابراين ماهيت و مفهوم سواد اطلاعاتي در بافتهاي مختلف (مانند رشته‌هاي مختلف تحصيلي، محيطهاي مختلف يادگيري، كار و زندگي) متفاوت است. از اين‌رو، اجراي علمي و عملي سواد اطلاعاتي، نيازمند مطالعة اين مهم در بافتي است كه سواد اطلاعاتي بناست در آن بافت تبيين، طراحي و اجرا شود. «نظري» يكي از صاحب‌نظران حوزه سواد اطلاعاتي و از نويسندگان فعال اين حوزه است.**

**ساير پايان‌نامه‌هاي انجام شده، به طور عمده در چند دسته قابل بررسي است:**

**تعدادي به بررسي وضعيت يا ميزان سواد اطلاعاتي در ميان اقشار مختلف پرداخته‌اند. نخستين پايان‌نامه در اين دسته را «بختياري» (1381) تدوين نمود. انجام اين اثر سرآغاز انجام آثار ديگري در اين حوزه بود كه به بررسي وضعيت سواد اطلاعاتي پرداخته‌اند. عمده آثار در اين دسته جاي مي‌گيرند، كه عبارتند از: بررسي وضعيت سواد اطلاعاتي دانشجويان توسط «بختيارزاده» (1381) و «طبيب‌نيا»(1385)؛بررسي وضعيت سواد اطلاعاتي كتابداران توسط «وزيري» (1385)، و «رضوان» (1387)؛ بررسي وضعيت سواد اطلاعاتي اعضاي هيئت علمي توسط «مقدس⁬زاده» (1385) و «مفيدي» (1388)؛ بررسي وضعيت سواد اطلاعاتي سرپرستارانتوسط «جولاهي‌ساروي» (1385) و بررسي سواد اطلاعاتي كاركنان زندانها توسط «عزيزي» (1388). در مجموع، بررسي وضعيت يا ميزان سواد اطلاعاتي در بين پژوهشهاي انجام يافته، بسامد بسيار بالايي دارد.**

**برخي از آثار در پي تدوين ابزار سنجش و استانداردهايي براي سنجش و آموزش سواد اطلاعاتي بوده‌اند. پايان‌نامه «قاسمي» (1385) و «سيامك» (1386) در اين دسته قرار مي‌گيرد. «قاسمي» (1385) در اثر خود با استفاده از روش پيمايشي و تحليل محتوا، تناسب متن ترجمه شده «استاندارد قابليتهاي سواد اطلاعاتي براي آموزش عالي» (1385) را به عنوان ابزار سنجش و آموزش مهارتهاي سواد اطلاعاتي، بررسي نمود. وي همچنين به تحليل چهار سند توسعه ملي كه چشم‌انداز آينده علمي ايران را مشخص مي‌سازند، در انطباق با الزامهاي نيروي انساني داراي مهارتهاي سواد اطلاعاتي مندرج در استانداردهاي مذكور پرداخت و نتيجه گرفت كه به تدوين استانداردي ملي براي آموزش سواد اطلاعاتي نيازي نيست و ويژگيهاي خاص در آموزش سواد اطلاعاتي را بايد در مدلهاي آموزش سواد اطلاعاتي لحاظ نمود. «سيامك» (1386) نيز به منظور تدوين ابزاري استاندارد براي سنجش سواد اطلاعاتي دانشجويان كارشناسي، سواد اطلاعاتي دانشجويان را بررسي نمود. اين دو اثر،‌ از آثار ارزشمند و اصولي انجام شده در حوزه سواد اطلاعاتي هستند و به دليل بررسي وضعيت سواد اطلاعاتي كاربران، مي‌توان آنها را در دسته اول هم جاي داد.**

**بعضي از پايان‌نامه‌ها به شناسايي ميزان توجه به سواد اطلاعاتي در درسنامه‌ها و ميزان به كارگيري استانداردهاي سواد اطلاعاتي در اسناد آموزش و پرورش پرداخته‌اند. مانند اثر «حيدري همت‌آبادي» (1385) كه ميزان توجه به سواد اطلاعاتي در درسنامه‌هاي علوم تجربي دوره ابتدايي را بررسي نموده است. همچنين،‌ پايان‌نامه «عيني» (1387) كه موضوع پژوهش وي،‌ بررسي طرح توسعه آموزش سواد اطلاعاتي در سند ملي چشم‌انداز بيست ساله آموزش و پرورش و ارائه الگويي جهت تحقق هدفهاي سواد اطلاعاتي بوده است.**

**دسته‌اي ديگر از پايان‌نامه‌ها شامل آثاري مي‌شوند كه برنامه­هاي آموزش سواد اطلاعاتي و اثر آنها را بر روي كاربران بررسي كرده‌اند؛ مانند اثر «زماني» (1388). در زمينه ارائه مهارتهاي سواد اطلاعاتي، «معرفت» (1385) در اثر خود سطح توجه به ارائه مهارتهاي سواد اطلاعاتي دانشجويان سال آخر كارشناسي كتابداري و اطلاع‌رساني در دانشگاه‌هاي دولتي واجد و فاقد تحصيلات تكميلي كتابداري و اطلاع‌رساني را مقايسه كرد و به اين نتيجه دست يافت كه بين سطح توجه به مهارتهاي سواد اطلاعاتي دانشجويان دو گروه، تفاوت معناداري وجود ندارد.**

**مواردي هم پايان‌نامه‌هايي را شامل مي‌شود كه عوامل اثرگذار بر وضعيت سواد اطلاعاتي كاربران را بررسي كرده‌اند. در اين دسته، دو پايان‌نامه جاي مي‌گيرد: نخست «پيش‌بين» (1386) كه نقش و جايگاه كتابخانه‌هاي آموزشگاهي را در ارتقاي سواد اطلاعاتي دانش‌آموزان بررسي كرده است. «ياري» (1388) نيز در پژوهش خود با رويكردي نوين و متفاوت با آثاري كه در حوزه سواد اطلاعاتي به رشته تحرير درآمده‌اند، با روش پيمايشي و با توجه به مهارتها و قابليتهاي مندرج در «استاندارد قابليتهاي سواد اطلاعاتي براي آموزش عالي» (1385)، ميزان تأثير چهار عامل مهم تأثيرگذار، شامل ويژگيهاي زمينه­اي، كتابخانه­هاي دانشگاه، اعضاي هيئت علمي و امكانات فناوري اطلاعات و ارتباطات دانشگاه بر وضعيت سواد اطلاعاتي دانشجويان تحصيلات تكميلي را بررسي كرده است.**

**2-2. طرحهاي پژوهشي**

**در زمينة سواد اطلاعاتي، تاكنون چندين طرح پژوهشي در ايران اجرا شده است. روند مشاهده شده در سير محتواي پايان‌نامه‌ها، در طرحهاي پژوهشي اين حوزه هم مشهود است. نخستين طرح توسط «پريرخ و مقدس‌زاده» (1378) به مرحله اجرا درآمد. در اين طرح، وضعيت سواد اطلاعاتي دانشجويان تحصيلات تكميلي بررسي شده است.**

**«منتظر، نصيري‌صالح و فتحيان» (1381) در طرح خود وضعيت موجود سواد اطلاعاتي مربيان و مسئولان مراكز آموزش فني و حرفه‌اي كشور را بررسي كردند. آنان با تبيين مفهوم سواد اطلاعاتي به عنوان جانماية نظام آموزشي مبتني بر فناوري اطلاعات و بررسي تطبيقي مهم‌ترين مدلهاي توسعه سواد اطلاعاتي در جهان و مبتني بر مطالعه‌اي پيمايشي در همه استانهاي كشور، مدلي جديد براي توسعه سواد اطلاعاتي در ايران ارائه نمودند. ضرورت بومي⁬سازي مدل آموزش و توسعة سواد اطلاعاتي، هم در اين اثر و هم در پايان‌نامه «قاسمي» (1385) مورد تأكيد قرار گرفته است و لزوم اين امر با توجه به نيازها، زيرساختها، و فرهنگ خاص هر كشور كاملاً محرز است. با وجود اين، تأكيد بيش از حد اثر اخير به مهارتهاي فناوري اطلاعات و ارتباطات و تا حدودي آشنايي با زبان انگليسي، به عنوان تنها عوامل توسعه سواد اطلاعاتي، نيازمند تأمل است. توانمندي در اين قبيل مهارتها، در دستيابي و ارتقاي سواد اطلاعاتي يك ضرورت اساسي است، اما فراتر از آن، مسائل مهم‌تري از قبيل چگونگي تشخيص نياز اطلاعاتي، مكان⁬يابي و ارزيابيهاي انتقادي مطرح است.**

**در سال 1383 شاهد انجام دو طرح هستيم: «پريرخ» (1383) برنامه­هاي آموزش سواد اطلاعاتي و اثر آن بر روي كاربران را بررسي نمود. «نظري و عليدوستي» (1383) نيز، در طرح خود به طراحي، آزمون، اجرا و ارزيابي سواد اطلاعاتي براي دوره‌هاي تحصيلات تكميلي پرداختند. يكي ديگر از نتايج اين طرح، طراحي و انتشار درگاه سواد اطلاعاتي به عنوان منبع پشتيبان درس سواد اطلاعاتي و ارائه مستنداتدرسسواداطلاعاتيبرايدوره‌هاي تحصيلات تكميلي بود. اين اثر را مي‌توان جزء آثار ارزشمند حوزة سواد اطلاعاتي و نخستين تلاش در راستاي طراحي مدلهاي بومي شدة سواد اطلاعاتي براي دانشگاه‌ها و مؤسسه‌هاي آموزش عالي كشور، در نظر گرفت.**

**ساير طرحها همانند عمده پايان­نامه­هاي اين حوزه، وضعيت سواد اطلاعاتي كاربران را بررسي كرده‌اند؛ مانند اثر «رحيمي، الماسي و آل‌مختار» (1384) و «لطف‌نژاد، افشار، حبيبي و قادري‌پاكدل» (1386).**

**«افشار و دانش»(1387) نيز تأثير برنامه‌هاي آموزشي غيررسمي كتابخانه‌هاي كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان شهر اصفهان بر ارتقاي سواد اطلاعاتي دانش‌آموزان را از ديدگاه كتابداران و آموزگاران، بررسي كردند.**

**3. كتابها**

**نخستين كتاب انتشار يافته در حوزة سواد اطلاعاتي در ايران آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني نوشته رحمت‌الله فتاحي (1383) بود. اين كتاب كه نتيجه برگزاري اولين همايش در حوزه سواد اطلاعاتي در ايران است، در نوع خود اثر تأثيرگذاري است. در اين اثر 29 مقاله به چاپ رسيده است. تعدادي از مقاله‌ها به بحثهاي نظري و كلي حوزة سواد اطلاعاتي و تعدادي نيز به بحثهاي عيني‌تر و كاربردي اين حوزه پرداخته‌اند. گرچه تعدادي از مقاله‌ها نيز، كمترين ارتباط را با بحث سواد اطلاعاتي دارند. به دليل ارتباط موضوعي اين مقاله‌ها با ديگر مقاله‌هاي منتشر شده در اين حوزه و به منظور انسجام بيشتر اين نوشتار، در بخش مقاله‌ها مواردي از مقاله‌هاي اين مجموعه كه يا به طور اختصاصي به بحث سواد اطلاعاتي پرداخته⁬ و يا با نگرش و رويكردي نوين به اين حوزه توجه داشته⁬⁬اند، تحليل گرديد. بنابراين، مقاله‌هاي مرتبط با آموزش كتابخانه⁬اي و رفتارهاي اطلاع⁬يابي، بررسي نشده⁬اند.**

**با وجود آن‌كه نخستين كتاب در حوزة سواد اطلاعاتي، اثر پيشين بود؛ نخستين اثر به زبان فارسي كه در قالب كتاب به مبحث سواد اطلاعاتي پرداخته، توسط «نظري» (1384) به رشتة تحرير درآمده است. در اين كتاب، مباحثي درخصوص مفهومسواد اطلاعاتي، باسواداطلاعاتي،ضرورتواهميتفراگيريتوانمنديهايسواداطلاعاتي،مدلهاو استانداردهاي سواداطلاعاتي، تجربه‌هايكشورهايجهاندرخصوصبسطوآموزشسواداطلاعاتي و در انتها طرحدرسپيشنهادىسواداطلاعاتىبراى دور‌ه‌هاىتحصيلاتتكميلىكشور، ارائهشده است. در مجموع، مباحث مطرح شده و انسجام مطالب، نشانگر توانمندي تخصص و تسلط نويسنده بر حوزه سواد اطلاعاتي است.**

**آموزش سواد اطلاعاتي: مفاهيم، روشها و برنامه‌ها اثر ارزشمند ديگري است كه «پريرخ» (1386) آن را تدوين نموده است. محتواي اين كتاب در چهار فصل شامل مباحثي در رابطه با ارزش اطلاعات و اهميت سواد اطلاعاتي، تاريخچة سواد اطلاعاتي، استانداردها و مهارتهاي پيش‌نياز سواد اطلاعاتي، كاربرد نظريه‌هاي يادگيري در آموزش سواد اطلاعاتي، و مسائل مربوط به آموزش سواد اطلاعاتي مانند برنامه‌ريزي، سنجش نيازها، زمان، مكان، تجهيزات و نيروي انساني مورد نياز است. در اين اثر، براي نخستين بار به سير تحول برنامه‌هاي آموزشي كتابخانه‌ها در ايران و عملكردهايي كه در آشنا كردن كتابخانه‌ها و كتابداران با مفاهيم سواد اطلاعاتي تأثيرگذار بوده است، اشاره شده است. در مجموع، با توجه به تجربه نويسنده در آموزش سواد اطلاعاتي و ارائه اين اثر به شكل جزوه پيش از انتشار آن به شكل كتاب و بازخورد مناسب آن، اين اثر را مي‌توان در زمرة منابع درسي به شمار آورد. نويسنده اين اثر از پيشكسوتان بحث سواد اطلاعاتي در ايران است.**

**در سال 1387 نيز دو اثر منتشر شد: نخست، اثر «بركهارت، مك دونالد و رادرماخر»[16] كه «قاسمي و مختاري» آن را ترجمه كردند. اين كتاب بستر مناسبي براي تدوين برنامه‌هاي درسي و تمرينهاي كاربردي بر مبناي استانداردهاي سواد اطلاعاتي فراهم آورده است. اين اثر را با توجه به ساختار و محتواي آن، مي‌توان به عنوان مكملي ارزشمند و كاربردي در برنامه‌هاي رسمي و غير رسمي آموزش سواد اطلاعاتي به كار گرفت. اثر دوم نيز نوشتة «داورپناه، سيامك و قاسمي» و مشتمل بر مباحثي پيرامون نقش و اهميت سواد اطلاعاتي در آموزش عالي، سنجش سواد اطلاعاتي و مباحث مرتبط با آن، و ساخت و اعتباريابي پرسشنامه عيني سواد اطلاعاتي دانشجويان است. از پرسشنامه‌هاي مندرج در اين اثر مي‌توان به عنوان ابزار استاندارد سواد اطلاعاتي دانشجويان، بهره گرفت.**

**دستاورد حوزة سواد اطلاعاتي در قالب كتاب در سال 1389 نيز دو اثر با عنوانهاي آموزش مهارتهاي سواد اطلاعاتي تأليف «خالقي و سيامك» و سنجش سواد اطلاعاتي با استفاده از ابزارها و تكاليف استاندارد نوشته «نيلي»[17] است. محور مورد بحث در هر دوي اين آثار، آموزش سواد اطلاعاتي بر اساس استاندارد قابليتهاي سواد اطلاعاتي براي آموزش عالي است و در هر دوي آنها به هر استاندارد يك فصل اختصاص داده شده است. اين دو منبع مي‌توانند به عنوان يك خودآموز بويژه براي افرادي كه نمي‌توانند در كلاسها و كارگاه‌هاي مرتبط با آموزش مهارتهاي سواد اطلاعاتي شركت كنند، مفيد واقع شود. افزون بر اين، استفاده از آنها توسط مدرسان در برنامه‌هاي آموزشي سواد اطلاعاتي، مي‌تواند راهگشا و كمك‌كننده باشد.**

**در مجموع، روند رو به رشدي در انتشار كتابها، هم از نظر كمّي و هم از نظر كيفي، قابل مشاهده است.**

**4. گردهمايي‌ها**

**گردهمايي‌ها، اعم از همايشها، سمينارها، كنفرانسها و مانند آنها معمولاً به منظور تصميم‌گيري، برنامه‌ريزي، و مبادلة يافته‌هاي پژوهشي و يا عرضه آرا و انديشه‌هاي نوين علمي در حوزه‌ها و رشته‌هاي تخصصي برگزار مي‌‌گردد. همچنين، برخي از مطالب علمي براي نخستين بار در اين‌گونه مجامع ارائه مي‌شود.**

**نخستين همايشدر حوزة سواد اطلاعاتي با عنوان «آموزش استفاده­كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني»در سال 1383 در دانشگاه فردوسي مشهد برگزار شد و در آن مفاهيم، تجربه‌ها و نظريه‌هاي سواد اطلاعاتي مورد بحث قرار گرفت. مجموعه مقاله‌هاي اين همايش در كتابي ـ كه پيشتر به عنوان اولين كتاب در حوزه سواد اطلاعاتي اشاره شد ـ انتشار يافت. بي‌شك، برگزاري اين همايش، تأثير بسزايي در پيشبرد هدفهاي سواد اطلاعاتي و شناساندن اين حوزه در جامعة علمي، ايفا نموده است.**

**دومين همايش، در ارديبهشت 1388 توسط انجمن علمي كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه پيام نور استان قم در پنجمين همايش سالانة انجمن علمي- دانشجويي كتابداري و اطلاع‌رساني خود با عنوان «سواد اطلاعاتي و ضرورتهاي ارتقاي آن در بين اقشار جامعه» برگزار گرديد. به نظر مي‌رسد اين رويداد كه عنوان همايش به خود گرفت، بيشتر كارگاهي آموزشي بوده است.**

**سومين همايشبا عنوان «سواد اطلاعاتي: كاربردها و چشم‌اندازها» كه اولين همايش علمي- دانشجويي دانشگاه سمنان است، در فروردين 1389 برگزار شد. در اين همايش منطقه‌اي، 7 مقاله به صورت سخنراني و 5 مقاله به صورت پوستر مورد پذيرش قرار گرفت. به زودي مجموعه مقاله‌ها در قالب كتاب منتشر خواهد شد.**

**لازم به يادآوري است، در برخي از همايشهاي برگزار شده در سالهاي اخير، در بين مقاله‌هاي ارائه شده، مواردي هم به بحث سواد اطلاعاتي اختصاص داشته است. همايشهايي مانند «اطلاعات، اطلاع‌شناسي و جامعه» (دانشگاه بيرجند، ارديبهشت 1386)؛ «چالشهاي علم اطلاعات» (خرداد 1386)؛ «كتابخانه‌هاي آموزشگاهي: پوياسازي نظام آموزشي و مشاركت در فرايند ياددهي ـ يادگيري» (مشهد، ارديبهشت 1388)؛ «وب‌سايتهاي كتابخانه‌هاي دانشگاهي» (آذر 1388). با توجه به چارچوب اين نوشتار، تنها مقاله‌هايي كه چاپ و منتشر شده‌اند، در بخش مقاله‌ها بررسي شده‌اند.**

**افزون بر اين، «مريم نظري» نيز مقاله‌هايي را با محوريت سواد اطلاعاتي در چندين كنفرانس خارجي ارائه نمود كه عبارتند از: «كنفرانس بين رشته⁫اي علوم رايانه و سيستمهاي اطلاعات، آمستردام هلند، 2008»، «ششمين كنفرانس اروپايي آموزشGIS ، گلاسترشاير انگليس، سپتامبر 2008»، «كنفرانس روز تحصيلات تكميلي بين رشته⁫اي، شفيلد انگلستان، آوريل 2006»، «كنفرانس سواد اطلاعاتي جورجيا، اكتبر 2006»، «كنفرانس بين⁫المللي سوادهاي ديجيتالي و يادگيري در جامعه اطلاعاتي، دانشگاه لافبرو انگلستان ژوئن 2006»، «كنفرانس كانكشنز، دانشگاه سيراكوس نيويورك، مي 2006» و نظاير آن[18].**

**نتيجه­گيري**

**در ايران، نخستين نوشته­هاي فارسي در حوزة سواد اطلاعاتي، در اواسط دهة 70 منتشر شد. با وجود آن‌كه آثار اندكي در اين دهه منتشر شد، از نظر كيفي مقاله‌هاي مفيدي تأليف و ترجمه گرديد كه بر آثار منتشر شده در دهة بعد تأثيرگذار بود. ليكن، عمده آثار حوزه سواد اطلاعاتي در ايران در دهه 80 منتشر شده است. همچنين، به نظر مي⁬رسد همچون خود بحث سواد اطلاعاتي، آغازگر بسياري از مباحث مرتبط و پژوهشها، منابع ترجمه شده است. در مجموع، آثار منتشر شده در حوزة‌ سواد اطلاعاتي بسيار بيشتر از آن است كه در اين نوشتار ذكر شد، اما فرصت پرداختن به همه آنها خارج از حوصله اين مقاله بود، بيشتر به اين دليل كه عمدة آنها ـ بويژه آنهايي كه در مجله‌هاي فاقد امتياز به چاپ رسيده‌اند ـ به تكرار مباحثي پرداخته‌اند كه در منابع اين نوشتار معرفي گرديد و دسته‌اي هم به آموزش كتابخانه‌اي و رفتار اطلاع‌يابي با عنوان سواد اطلاعاتي پرداخته‌اند كه بررسي آنها در اين مقاله نمي‌گنجد. به طور كلي، از اين بررسي مي‌توان نكات زير را استنباط نمود:**

**1. در مجموع، روند انتشار انواع منابع در اين حوزه از نظر كمّي و تا حدودي از نظر كيفي، رو به رشد و تكامل بوده و بويژه در سالهاي اخير، در آثاري كه به چاپ رسيده­اند، اين روند مشهود است. اگرچه تكرار، هم در مباحث نظري و هم در پژوهشها، به وضوح قابل مشاهده است. نكتة حايز اهميت، وجود آثار ارزشمند و اثرگذاري توسط نويسندگان پركار و با تجربة اين حوزه نظير «پريرخ»، «نظري» و «قاسمي» است. اين مسئله تأييدي بر اين امر است كه تمركز كتابداران بر حوزة موضوعي خاص، موجب نتايج بسيار ارزنده‌تري در آن حوزه خواهد شد؛ مسئله‌اي كه كمتر در رشتة كتابداري و اطلاع‌رساني ايران به چشم مي‌خورد.**

**2. سير مطالعاتي پژوهشهاي انجام شده در حوزة سواد اطلاعاتي نشان مي­دهد زمينه­هاي تحقيق عمدتاً مشابه بوده و در اكثر آنها وضعيت و يا ميزان سواد اطلاعاتي بررسي شده است. به بيان ديگر، پايان‌نامه­ها و طرحهاي نگاشته شده در اين حوزه، در اكثر موارد الگوبرداري از آثار قبلي بوده و تنها جامعة آماري پژوهش، تغيير يافته است. از طرفي، به نظر مي⁬رسد، نتايج كاربردي اين پژوهشها در عمل، چندان مورد استفاده قرار نگرفته است و شايد تنها با ديدي ساده⁬انگارانه، سواد اطلاعاتي، ابزاري ساده براي پژوهش در حوزة كتابداري و اطلاع⁬رساني بوده است.**

**3. هرچند تعداد زيادي از نتايج پژوهشهاي سواد اطلاعاتي به صورت مقاله منتشر شده است، برخي از آنها در مجله‌هاي فاقد درجه علمي- ترويجي و يا علمي- پژوهشي، به چاپ رسيده است. اين مورد مي‌تواند ناشي از استقبال نكردن هيئت تحريريه و سردبيران مجله‌هاي داراي امتياز، از مقاله‌هاي مربوط به بررسي وضعيت سواد اطلاعاتي در سالهاي اخير باشد. اين امر ناشي از انجام كارهايي با محتواي مشابه است كه به صرف عوض شدن جامعة آماري، پژوهشي مستقل در شكل پايان‌نامه يا طرح پژوهشي انجام مي‌گيرد؛ بدون آن‌كه حاوي ايده و راهكاري نو در حوزة سواد اطلاعاتي باشند.**

**4. نكته قابل تأمل در عمده پژوهشهاي انجام يافته در حوزة سواد اطلاعاتي، توجه بيش از حد لزوم به مهارتهاي فناوري اطلاعات در مجموعه مهارتهاي سواد اطلاعاتي است؛ در حالي⁬كه به نظر مي‌رسد اكثر پژوهشگران و نويسندگان اين حوزه، توجه چنداني به تفكر انتقادي و تحليلي به عنوان زيربناي سواد اطلاعاتي و لازمة باسواد اطلاعاتي شدن، نداشته‌اند؛ نكته‌اي كه بيش از انجام مهارتهاي عملي در باسواد اطلاعاتي شدن، حايز اهميت است. در واقع، رويكرد عملگرايي به سواد اطلاعاتي و تأكيد بر مهارتهاي عملي، مقدم بر نگرشي بوده است كه جنبه‌هاي زيربنايي مانند تفكر انتقادي و تحليلي و نيز روش‌شناسي را ارجح مي‌داند. همچنين، برداشت اشتباه از مفهوم سواد اطلاعاتي و تلقي سواد رايانه‌اي يا سواد كتابخانه‌اي و يا رفتار اطلاع⁬يابي به عنوان سواد اطلاعاتي، نكته قابل تأملي است كه هنوز با انتشار روزافزون منابع علمي در آثار اين حوزه، به چشم مي‌خورد.**

**5. نگاهي به همايشهاي برگزار شده در سالهاي اخير در حوزه كتابداري و اطلاع‌رساني، حاكي از توجه كتابداران و متخصصان اين حوزه به اهميت، ضرورت و تا حدودي درك مفهوم و هدفهاي سواد اطلاعاتي است. برگزاري اين همايشها بي⁬شك موجب شناساندن اين حوزه و اهميت آن به قشر‌هاي گسترده⁬تري از جامعه خواهد شد.**

**6. مروري بر متون نگاشته شده، گواه آن است كه محور توجه آثار سواد اطلاعاتي در ايران، معطوف به كتابخانه‌هاي دانشگاهي و سطح آموزش عالي و در مواردي سطح آموزش و پرورش است؛ اما با كمترين توجه به بحث سواد اطلاعاتي در كتابخانه‌هاي عموميِ صورت گرفته، نبود منابعي در اين زمينه كاملاً آشكار است.**

**7. محتواي متون منتشر شده گوياي آن است كه «استاندارد قابليتهاي سواد اطلاعاتي براي آموزش عالي» از انجمن كتابخانه‌هاي دانشكده­اي و پژوهشي (1385)، استاندارد مورد پذيرش در حوزة سواد اطلاعاتي براي انجام آموزش و پژوهش در ايران است و مدل شش مهارت بزرگ، مقبول⁬ترين مدل در مباحث نظري و متداول‌ترين مدل مورد استفاده در پژوهشهاست.**

**8. بيان ارتباط سواد اطلاعاتي با موضوعاتي مانند مديريت دانش، مديريت كيفيت فراگير، آموزش از راه دور و نظاير آن، به طور ضمني به كاربرد گسترده اين حوزه در بسياري از بخشهاي جامعه و اهميت آن اشاره دارد. اين موضوع مي⁬تواند محور توجه پژوهشگران در تحليل ارتباط سواد اطلاعاتي با ساير بخشها و حوزه⁬ها باشد.**

**در مجموع، در طي 15 سال اخير، به بحث سواد اطلاعاتي توجه بسيار زيادي شده است. حجم بالاي منابع انتشار يافته در اين حوزه، گواه اين ادعاست. به نظر مي‌رسد اتفاق‌نظر جمعي در مورد اهميت سواد اطلاعاتي به عنوان لازمة بقا در جامعه دانش⁬محور امروز وجود دارد. حتي توجه مسئولان و برنامه‌ريزان كشور در سالهاي اخير به اين امر نيز، تا حدودي مشهود است. به طور مثال، در اسنادي نظير «نظام جامع فناوري اطلاعات كشور: سند راهبردي» (1386) به مسئله شهروند باسواد اطلاعاتي اشاره شده است. اما گفتار، با عملكرد و نتيجة نهايي تا حدودي متفاوت بوده است. به طور مثال، حتي در بين جامعة كتابداري ايران نيز، تنها در سالهاي اخير در دورة كارشناسي رشته كتابداري و اطلاع­رساني در برخي از دانشگاه­ها مانند فردوسي مشهد، تهران، شهيد چمران اهواز و بيرجند، دو واحد به سواد اطلاعاتي اختصاص يافته است و به صورت پراكنده بعضي از دانشگاه‌ها و سازمانها آموزش مهارتهاي عملي سواد اطلاعاتي (مانند شيوة استفاده از كتابخانه و پايگاه⁬هاي اطلاعاتي) ارائه كرده‌اند.**

**بنابراين، نيازمند برنامه‌ريزي منسجم در تمام سطوح آموزشي (بويژه در سطح آموزش و پرورش)، انواع كتابخانه، سازمان و به طور كلي در سطح كشور و براي اقشار مختلف جامعه هستيم. به بياني ديگر، تغيير نظام آموزشي مدارس و دانشگاه‌ها و تحول در عمليات كتابخانه‌اي، از جمله مهم‌ترين برنامه‌ها در تدارك و پرورش جامعه باسواد اطلاعاتي است.**

**اميد است نهضت نيرومند سواد اطلاعاتي در دنيا و بخصوص در ايران، به پيشرفت و ظهور يك فرهنگ اطلاعاتي منجر شود.**

**منابع**

**- ابرگ، ديانا (1385). ارتقاء سواد اطلاعاتي: با تكيه بر پرسش و پاسخ. ترجمه صديقه محمداسماعيل. در گزيده مقالات ايفلا 2004 (صص 41-61). تهران: سازمان اسناد و كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران.**

**- افشار، مينا و فرشيد دانش (1387). بررسي تأثير برنامه‌هاي آموزشي غير رسمي كتابخانه‌هاي كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان شهر اصفهان بر ارتقاء سواد اطلاعاتي دانش‌آموزان از ديدگاه كتابداران و آموزگاران. [طرح تحقيقاتي].**

**- انجمن كتابخانه­هاي دانشكده­اي و پژوهشي (1385). استاندارد قابليت‌هاي سواد اطلاعاتي براي آموزش عالي. ترجمه علي‌حسين قاسمي. علوم و فناوري اطلاعات، 21 (4)، 97-119.**

**- انجمن كتابخانه­هاي دانشكده­اي و پژوهشي (1386). استانداردهاي سواد اطلاعاتي براي دانشجويان آموزش عالي. ترجمه رحمان معرفت و مرضيه عضدي. فصلنامه كتاب، 18 (1)، 229- 242.**

**- بختيارزاده، اصغر (1381). بررسي سواد اطلاعاتي دانشجويان سال آخر دوره كارشناسي دانشگاه الزهرا. پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشگاه علوم پزشكي ايران، دانشكده مديريت و اطلاع‌رساني پزشكي.**

**- بردستاني، مرضيه (1383). رويكرد فراشناختي به سواد اطلاعاتي. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (صص 55-73). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- بركهارت، جوآنا ام، مري سي مك دونالد و آندره‌جي رادرماخر (1387). آموزش سواد اطلاعاتي به دانشجويان: 35 تمرين عملي بر مبناي استانداردهاي سواد اطلاعاتي. ترجمه علي‌حسين قاسمي و حيدر مختاري. تهران: چاپار.**

**- پريرخ، مهري (1383). سنجش اثربخشي كارگاه‌هاي سواد اطلاعاتي [طرح تحقيقاتي]. مشهد: دانشگاه فردوسي مشهد.**

**- ـــــــــــــــ (1386). آموزش سواد اطلاعاتي: مفاهيم، روش‌ها و برنامه‌ها. تهران: كتابدار.**

**- پريرخ، مهري و زهره عباسي (1383). آموزش سواد اطلاعاتي، روش‌ها و راهبردها. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (صص 197-214). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- پريرخ، مهري و حسن مقدس‌زاده (1378). سنجش سواد اطلاعاتي در دانشجويان تحصيلات تكميلي [طرح تحقيقاتي]. مشهد: دانشگاه فردوسي مشهد.**

**- پيش‌بين، مژگان (1386). بررسي نقش و جايگاه كتابخانه‌هاي آموزشگاهي در ارتقاء سواد اطلاعاتي دانش‌آموزان مقطع پيش دانشگاهي منطقه 3 آموزش و پرورش شهر تهران.پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشكده علوم انساني دانشگاه آزاد اسلامي، واحد تهران شمال.**

**- تابنده، فاطمه (1383). ارزيابي عوامل مؤثر در بهبود كيفي سواد اطلاعاتي كاربرد سيستم مديريت كيفيت فراگير. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (صص 179-196). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- تقوي، مهدي (1377). سواد اطلاعاتي و سواد كامپيوتري: مفاهيم و تعاريف (قسمت اول). پژوهشنامه اطلاع‌رساني، 1 (12)، 6-7.**

**- ـــــــــــــــــ (1377). سواد اطلاعاتي و سواد كامپيوتري: مفاهيم و تعاريف (قسمت دوم). پژوهشنامه اطلاع‌رساني، 2 (1)، 6-7.**

**- جوكار، عبدالرسول و راضيه اسماعيل‌پور (1388). آموزش مجازي و سواد اطلاعاتي: بررسي موردي آموزش‌هاي مجازي در دانشگاه شيراز. فصلنامه كتاب، 20 (1)، 13-26.**

**- جولاهي‌ساروري، لاله (1385). بررسي ميزان سواد اطلاعاتي سرپرستاران بيمارستان‌هاي خصوصي شهر تهران. پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشگاه آزاد اسلامي، واحد تهران شمال.**

**- چان، نوي ساي (1386). كسب سواد اطلاعاتي، برنامه اجباري دانشجويان دوره كارشناسي: تجربه دانشگاه مالايا. ترجمه علي خسروجردي. فصلنامه كتاب، 18 (4)، 315- 328.**

**- حافظي، ابراهيم و زهرا بختياري (1383). نقش سواد اطلاعاتي مراجعان در بهره‌گيري از منابع كتابخانه‌اي كتابخانه مركزي آستان قدس⁬رضوي. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني(صص 355-373). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس⁬رضوي.**

**- حسن‌زاده، محمد (1383). كاربرد مؤلفه‌هاي سواد اطلاعاتي در مديريت دانش سازمان‌ها. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (صص 115-134). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- حيدري همت‌آبادي، زهرا، نعمت‌ا... موسي پور و عباس حري (1386). نظام برنامه‌ريزي درسي متناسب با توسعه سواد اطلاعاتي. مطالعات برنامه درسي، 4 (1)، 29-48.**

**- حيدري‌همت‌آبادي، زهرا (1385). شناسايي ميزان توجه به سواد اطلاعاتي در درسنامه‌هاي علوم تجربي دوره ابتدايي. پايان‌نامه كارشناسي⁬ارشد برنامه‌ريزي درسي. دانشگاه شهيد باهنر كرمان، دانشكده ادبيات و علوم انساني.**

**- خالقي، نرگس و مرضيه سيامك (1389). آموزش مهارت‌هاي سواد اطلاعاتي. تهران: كتابدار، دانشگاه قم.**

**- خسرو‌ي‌، فريبرز (1375). سو‌اد‌آموز‌ي‌ ‌اطلا‌عاتي‌ در مد‌ارس. فصلنامه‌ كتاب، 7 (1)، ۱۹-۲۶.**

**- داورپناه، محمدرضا، مرضيه سيامك و علي حسين قاسمي (1387). سنجش سواد اطلاعاتي دانشجويان. تهران: دبيزش.**

**- دويل، كريستينا اس. (1385). سواد اطلاعاتي در جامعه اطلاعاتي. ترجمه فريده خوش‌تراش پسنديده. فصلنامه كتاب، 17 (1)، 277-282.**

**- دياني، محمدحسين (1383). تضاد بين واسطه رهايي كردن و كارگزار اطلاعات شدن. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (صص 11-20). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- رحيمي، عليرضا؛ صادق الماسي و محمدجواد آل‌مختار (1384). وضعيت سواد اطلاعاتي و عوامل مؤثر بر آن در ميان كتابداران و اطلاع‌رسانان كتابخانه‌هاي دانشگاه علوم پزشكي اصفهان [طرح تحقيقاتي]. اصفهان: دانشگاه علوم پزشكي اصفهان.**

**- رضوان، آذين (1387). بررسي ميزان سواد اطلاعاتي كتابداران كتابخانه‌هاي عمومي استان خوزستان به منظور شناسايي نقاط قوت يا ضعف احتمالي آنها در اين زمينه. پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشگاه ادبيات و علوم انساني، دانشگاه شهيد چمران اهواز.**

**- رياضي، عبدالمجيد (1386). نظام جامع فناوري اطلاعات كشور (سند راهبردي). طرح تدوين طرح جامع فناوري اطلاعات كشور. وزارت ارتباطات و فناوري اطلاعات.**

**- ريدر، هانلور بي. (1383). سواد اطلاعاتي: يك اولويت نوظهور جهاني. ترجمه مريم نظري. علوم اطلاع‌رساني، 20 (1و2)، 97-114.**

**- زماني، محمدعلي (1388). بررسي ميزان اثربخشي برنامه‌هاي آموزش مهارت‌هاي سواد اطلاعاتي: ارائه شده در دانشگاه سمنان در ميان دانشجويان دوره‌هايتحصيلات تكميلي اين دانشگاه. پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشگاه آزاد اسلامي، واحد علوم و تحقيقات.**

**- زماني، عشرت (1382). استانداردهاي سواد اطلاعاتي. فصلنامه اطلاع‌رساني، دوره 19، شماره 1و2. ص34-41.**

**- ساكاناند، چيوتيما (1383). تعليم سواد اطلاعاتي به دانشجويان راه دور: نقش كليدي كتابداران. ترجمه عبدالحسين فرج پهلو. در گزيده مقالات ايفلا 2000(صص 79-90). تهران: سازمان اسناد و كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران.**

**- سالاري، محمود و ابوالفضل حسن‌آبادي (1383). شناسايي و تحليل پيش‌نيازهاي دستيابي به مهارت سواد اطلاعاتي. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (صص 97-114). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- سميعي، ميترا (1383). امكان‌سنجي ايجاد آموزش مجازي سواد اطلاعاتي در اينترنت. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (صص 459-477). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- سيامك، مرضيه (1386). تدوين ابزار استاندارد براي سنجش مهارت‌هاي سواد اطلاعاتي دانشجويان مقطع كارشناسي و آزمون آن بر روي دانشجويان.پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشگاه فردوسي مشهد، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي.**

**سيتونن، لينا (1376). سواد اطلاعاتي: شكاف ميان مفهوم و كاربردها. ترجمه مهردخت وزيرپور كشميري. در گزيده مقالات ايفلا 96(صص 374-363). تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران.**

**- شريف مقدم، هادي (1383). سواد اطلاعاتي و آموزش‌هاي باز يا از راه دور. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (صص 327-334). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- شقاقي، مهدي (1387). مديريت دانش و سواد اطلاعاتي و رابطه متقابل آن‌ها در محيط كسب و كار. فصلنامه كتاب، 19 (2)، 107-126.**

**- طباطبايي، ناهيد (1378). بررسي مفهوم سواد اطلاعاتي (تحليل محتواي مقالات نشريات). پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشگاه تهران، دانشكده روانشناسي و علوم تربيتي.**

**- طبيب‌نيا، ويدا (1385). بررسي سواد اطلاعاتي دانشجويان تحصيلات تكميلي دانشكده اقتصاد علامه طباطبايي. پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشگاه آزاد اسلامي، واحد تهران شمال.**

**- عزيزي، محمدرضا (1388). بررسي سواد اطلاعاتي كاركنان زندان‌هاي شهر همدان. پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشگاه آزاد اسلامي همدان.**

**- عيني، اكرم (1387). طرح توسعه آموزش سواد اطلاعاتي در سند ملي چشم‌انداز بيست ساله آموزش و پرورش و ارائه الگويي جهت تحقق اهداف سواد اطلاعاتي. پايان‌نامه دكتري كتابداري و اطلاع⁬رساني. دانشگاه آزاد اسلامي، واحد علوم و تحقيقات.**

**- ــــــــــــــ (1388). طرح سلمان (سواد اطلاعاتي دانش‌آموزان جمهوري اسلامي ايران): الگويي براي آموزش سواد اطلاعاتي در چشم‌انداز بيست ساله آموزش و پرورش. در كتابخانه‌هاي آموزشگاهي، پوياسازي نظام آموزشي و مشاركت در فرآيند ياددهي- يادگيري: مجموعه مقالات همايش دانشگاه فردوسي مشهد 3 و 4 ارديبهشت 1388. به كوشش مهري پريرخ و شعله ارسطوپور. تهران: نشر كتابدار.**

**- فتاحي، رحمت‌الله (1383). سواد اطلاعاتي و بهسازي رفتار اطلاع⁬يابي پژوهشگران: ضرورت ادغام سواد اطلاعاتي در فرايند پژوهش و توليد دانش. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (صص 135-152). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- فورد، باربارا. جي. (1374). سواد اطلاعاتي به عنوان يك مانع. ترجمه ثريا قزل­اياغ. در گزيده مقالات ايفلا 1994 (صص 224-234). تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران.**

**- قاسمي، علي‌حسين (1383). ضرورت و چگونگي آموزش سواد اطلاعاتي در توسعه و تقويت آموزش عالي. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (صص 153-177). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- ـــــــــــــــــــــــ (1385). بررسي وضعيت سواد اطلاعاتي دانشجويان تحصيلات تكميلي و تدوين پيش‌نويس استانداردهاي سواد اطلاعاتي براي آنان در انطباق با چهار سند توسعه ملي ايران.پايان‌نامه دكتري كتابداري و اطلاع­رساني. دانشگاه فردوسي مشهد، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي.**

**- كلايد، لورل، ا. (1385). كتابداران و غلبه بر موانع سواد اطلاعاتي: راه‌هايي براي رشد حرفه‌اي مستمر و يادگيري در محل كار. ترجمه حسين مختاري معمار. در گزيده مقالات ايفلا 2000 (صص 345-359). تهران: سازمان اسناد و كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران.**

**- كمپبل، ساندي (1385). تعريف سواد اطلاعاتي در قرن بيست و يكم. ترجمه فهيمه باب الهوائجي. در گزيده مقالات ايفلا 2004 (صص 167-179). تهران: سازمان اسناد و كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران.**

**- كوكبي، مرتضي (1383). طرحي پيشنهادي براي درس آشنايي با كتابخانه و اصول كتابداري. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (صص 335-353). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- كياني، حسن (1383). شناخت عوامل بازدارنده در كسب سواداطلاعاتي در جامعه با ديدگاهي ويژه در بين دانشگاهيان، متخصصان و محققان. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواداطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني(صص 375-383). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان⁬قدس رضوي.**

**- گالر .ام و ديگران (1378). سواد اطلاعاتي: الگويي براي استفاده در كتابخانه‌هاي آموزشگاهي. ترجمه مهدي داودي. در گزيده مقالات ايفلا 97 (صص 154-148).تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران.**

**- لطف‌نژاد افشار، هادي؛ شفيع حبيبي و فيروز قادري‌پاكدل (1386). سواد رايانه‌اي و اطلاعاتي دانشجويان پزشكي دانشگاه علوم پزشكي اروميه [طرح تحقيقاتي].اروميه: دانشگاه علوم پزشكي اروميه.**

**- معرفت، رحمان (1385). مقايسه سطح توجه به ارائه مهارت‌هاي سواد اطلاعاتي دانشجويان سال آخر كارشناسي كتابداري و اطلاع‌رساني در دانشگاه‌هاي دولتي واجد و فاقد تحصيلات تكميلي كتابداري و اطلاع‌رساني از ديدگاه دانشجويان سال آخر مقطع كارشناسي كتابداري در اين دانشگاه‌ها. پايان‌نامه كارشناسي⁬ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي، دانشگاه شهيد چمران اهواز.**

**- مفيدي، فرحناز (1388). بررسي سواد اطلاعاتي اعضاي هيأت علمي مؤسسه آموزش عالي علمي كاربردي صنعت آب و برق. پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشگاه آزاد اسلامي همدان.**

**- مقدس‌زاده، حسن (1385). بررسي ميزان سواد اطلاعاتي اعضاي هيأت علمي دانشگاه آزاد اسلامي واحد مشهد. پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشگاه آزاد اسلامي، واحد تهران شمال.**

**- منتظر، غلام­علي؛ فرزين نصيري‌صالح و محمد فتحيان (1381). تدوين نظامنامه ارتقاي سواد اطلاعاتي مسؤولان مراكز فني و حرفه‌اي كشور [طرح تحقيقاتي]. تهران: سازمان آموزش فني و حرفه‌اي كشور.**

**- منصوريان، يزدان و محمد نعيم‌آبادي (1383). نقش وب‌سايت كتابخانه‌ها در ارتقاي سواد اطلاعاتي. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (صص 403-415). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- موسوي‌چلك، افشين (1383). لزوم آموزش ارزيابي كيفيت منابع اينترنتي به كتابداران و استفاده‌كنندگان به منزله بخشي از برنامه ارتقاي سواد اطلاعاتي. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع‌رساني (ص 495-508). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- نادري، محمدرامين و مهدي زاهدي (1388). آموزش مهارت‌هاي سواد اطلاعاتي: رويكردي براي پرورش مهارت‌هاي سواد خواندن در مطالعه پرلز. در كتابخانه‌هاي آموزشگاهي، پوياسازي نظام آموزشي و مشاركت در فرآيند ياددهي- يادگيري: مجموعه مقالات همايش دانشگاه فردوسي مشهد 3 و 4 ارديبهشت 1388. به كوشش مهري پريرخ و شعله ارسطوپور. تهران: نشر كتابدار.**

**- نظري، مريم (1384). چگونه مي‌توان باسواد اطلاعاتي شد. كتابداري و اطلاع‌رساني، 8 (2).**

**- ــــــــــــــ (1384). سواد اطلاعاتي. تهران: مركز اطلاعات و مدارك علمي ايران.**

**- نظري، مريم و سيروس عليدوستي (1383). سواد اطلاعاتي براي دوره‌هاي تحصيلات تكميلي [طرح تحقيقاتي]. تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارك علمي ايران.**

**- نوروزي چاكلي، عبدالرضا (1383). سياست‌هاي سواد اطلاعاتي در جوامع اطلاعاتي. در آموزش استفاده‌كنندگان و توسعه سواد اطلاعاتي در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع رساني (صص 21-42). مشهد: سازمان كتابخانه­ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي.**

**- نيلي، ترزا (1389). سنجش سواد اطلاعاتي با استفاده از ابزارها و تكاليف استاندارد. ترجمه علي⁬اكبر خاصه و رحيم عليجاني؛ ويراسته هادي شريف مقدم. تهران: چاپار.**

**- واسولو، و. سريني (1378). سواد رايانه‌اي و اطلاعاتي: چالش‌هاي پيش روي اطلاع‌رسانان مدرن در آستانه قرن بيست و يكم. ترجمه حميدرضا جمالي مهموئي. پيام كتابخانه، 9 (2)، 62-66.**

**- وزيري، اسماعيل (1385). بررسي سواد اطلاعاتي كتابداران كتابخانه‌هاي دانشگاه شيراز. پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشگاه شيراز.**

**- هپورث، مارك (1380). مطالعه‌اي در باب سواد اطلاعاتي دانشجويان دوره كارشناسي: گنجاندن آموزش سواد و مهارت‌هاي اطلاعاتي در برنامه‌هاي درسي دوره كارشناسي. ترجمه ناهيد طباطبايي. در گزيده مقالات ايفلا 99 (صص 149-167). تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران.**

**- هنري، جيمز؛ لين هي و دايان ابرگ (1383). نقش مدير در مدرسه‌اي با محيط سواد اطلاعاتي: يافته‌هاي يك طرح پژوهشي بين‌المللي. ترجمه علي مزيناني. در گزيده مقالات ايفلا 2002 (صص 333-351). تهران: سازمان اسناد و كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران.**

**- ياري، شيوا (1388). بررسي عوامل اثرگذار بر وضعيت سواد اطلاعاتي دانشجويان تحصيلات تكميلي دانشگاه‌هاي بيرجند و فردوسي مشهد. پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني. دانشگاه ادبيات و علوم انساني، دانشگاه بيرجند.**

**- Nazari, Maryam (2009). Information Literacy for Online Distance Learning GIS Programmes. PhD thesis. Department of Information Studies, University of Sheffield.**

**--------------------------------------------------------------------------------**

**[1] .Zurkowski.**

**[2]. Ford.**

**[3]. Guler.**

**[4]. Vasulu.**

**[5]. Hepworth.**

**[6]. Oberg.**

**[7]. Chan.**

**[8]. Henri, Hay & Oberg.**

**[9]. Clyde.**

**[10]. Rader.**

**[11]. Sacchanand.**

**[12]. Association of College and Research Libraries (ACRL).**

**[13]. Campbell.**

**[14]. Doyle.**

**1. Eisenhardt.**

**[16]. Burkhardt, McDonald & Rathemacher.**

**[17]. Neely.**

**1. منبع: http://www.mnazari.com/publications.htm**